

آیت الله منتظری و جایگاه ایشان در مبارزات مردم ایران

اکبر سیف

20 دسامبر 2009

29 آذر 1388

آیت الله منتظری، که به همراه آیت الله طالقانی از نزدیکترین شخصیت های سیاسی- مذهبی به آقای خمینی به شمار می رفتند و به همراه وی نقشی تعیین کننده در استقرار حکومت دینی در ایران داشتند، روز گذشته در گذشت.

آیت الله منتظری از معدود چهره های سیاسی ودولتمردانی بودند که با پایبندی بر وجدان و در دفاع از عقاید خود، در اوج قدرت در مقابل زور تسلیم نشدند، به قدرت نه گفتند وزندگی در حصر وتؤام با انواع واقسام اهانت ها ومحدویت هارا، آن هم از سوی نزدیک ترین یاران و شاگردان سابق خود، به کسب رهبری نظام ترجیح دادند.

حقیقت این است که آیت الله منتظری جزو چهره های سیاسی تاثیر گذار در تاریخ سی ساله اخیر ایران بوده اند. تاریخ زندگی ایشان، با تمامی فراز و فرود ها و تمامی چرخش های آن، با تاریخ سی ساله استقرارحکومت دینی در ایران گره خورده است. سی سالی که با حکومت بلا منازع ملا ها در ایران، بمثابه یکی از سیاه ترین وفاجعه بار ترین دوره های تاریخ معاصر کشورمارقم خورده است .

نقشی که ایشان در این میان، در مراحل مختلف ودر برخورد با سیاست های رژیم، ایفا کرده اند، نقشی دو گانه است.

چرا که از یکسو، ایشان نقشی اساسی در شکل گیری رژیم جمهوری اسلامی و در تدوین مبانی سیاسی- نظری آن، در تدوین قانون اساسی نظام و اصل ولایت فقیه ایفا کرده اند.ایشان ازاین طریق، مسؤولیتی مستقیم در شکل گیری نظامی قرون وسطایی ومتکی بر تبعیض، که هستی آن با نقض خشن آزادی های فردی و حقوق شهروندی ودیگر حقوق دموکراتیک مردم، به خصوص زنان و دگر اندیشان، از طریق سرکوب وشکنجه و اعدام شریف ترین فرزندان این آب و خاک، رقم می خورد، داشته اند.ایشان

تحت رهبری خمینی، با پشت کردن به دستاورد های مبارزاتی یک قرن مبارزات حق طلبانه مردم ایران برای استقرار آزادی و عدالت و رعایت حقوق شهروندی و بر علیه استبداد و بی عدالتی و بی قانونی، بدل به یکی از معماران اصلی نظامی به شدت عقب مانده و ارتجاعی گردیدند. بدین ترتیب بود که آمال و آرزوهای مردمی که با تحمل هزینه هایی بس سنگین، انقلابی عظیم در تاریخ معاصر آفریده بودند به باد فنا داده شد. حاصل این چنین نظامی به صورت به خاک سیاه نشان دادن کشور و ملت در مهم ترین عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و گسترش فساد به شکلی باور نکردنی در تمامی ارکان نظام، از صدر تا ذیل نمایان است و هم اینک در مقابل همه مردم میهن ما قرار دارد.

اما، از سوی دیگر نباید فراموش کرد که ایشان در اوج قدرت و در آن هنگام که به عنوان جانشین بلا منازع خمینی تعیین گشته بودند و چشم انداز قرار گرفتن در مقام رهبری نظام اسلامی را از آن خود ساخته بودند با تکیه بر وجدان و با پایبندی به اعتقادات شخصی خویش، به نقد سیاست های خمینی و پیروان گوش به فرمانش در دستگاه حکومتی، به خصوص در زمینه سرکوب مخالفین و دیگر اندیشان، دفاع از حقوق زندانیان و مقابله با جنایت تاریخی رژیم در کشتار فله ای و هزار هزار زندانیان بیگناه در بیدادگاه های رژیم در سال 67، پرداختند. افشاگری های ایشان در این زمینه، در آن هنگامه سرکوب و قدرت که همه رژیم در کار کشتار یا نظاره گر کشتاری دهشتناک بودند و در بهترین حالت خود را به ندیدن زده بودند و با سکوت خویش با جنایتکاران همراهی می کردند، نشان از صداقت و شجاعت اخلاقی تحسین بر انگیزی دارد؛ چنین شجاعت اخلاقی و یگانگی با خویشان خود در میان دولتمردان، بخصوص اگر آخوند باشند، اگر نه نایاب ولی بسیار کمیاب است.

چنین بود که ایشان به دستور خمینی از نیابت رهبری عزل گردیدند. مخالفت بعدی ایشان با اعلام مرجعیت علی خامنه ای، بیش از پیش عرصه زندگی و فعالیت را بر وی تنگ نمود و مدت ها در حصر خانگی قرار داد. مخالفت های ایشان با رهبری فاسد نظام در جریان برگزاری انتخابات 22 خرداد، با اعتراض به دستبرد گسترده آراء مردم از سوی ولی فقیه و کارگزارانش، و همراهی با میلیون ها مردم خشمگینی که با تظاهرات گسترده خیابانی راه نافرمانی مدنی اختیار کرده و ابطال انتخابات و برگزاری انتخابات آزاد را فریاد می کردند اوج تازه ای یافت. ایشان از همان ابتدا دولت احمدی نژاد را نامشروع

اعلام کردند ؛ در تمامی این 6 ماهه از هیچ کوششی در حمایت از جنبش موسوم به جنبش سبز، درکادر نظام فکری خویش که همانا دفاع از نظام دینی و تکیه هم بر وجه جمهوریت و هم اسلامیت رژیم در چارچوب قانون اساسی بود، دریغ نکردند. وی در آخرین بیانه های خویش در میان جنجال وگردوخاکی که قداره بندان رژیم به بهانه پاره شدن یا پاره کردن عکس خمینی بر پا کرده بودند یکبار دیگر با معصوم نخواندن خمینی تا بو شکنی کردند ونشان دادند که از نظر وی نه خمینی و نه خط امام، بر خلاف آنچه که برخی از اصلاح طلبان مقدس و خدشه ناپذیر می دانند، از تقدس برخوردار نیست. ایشان تا بدانجا پیش رفتند که به عنوان واضع اصل ولایت فقیه از ستم و سرکوبی که از سوی ولی فقیه به مردم وجامعه رفته و می رود عذر خواستند و... بدین سان است که می توان گفت که با در گذشت آیت الله منتظری، جنبش سبز یکی از حامیان معنوی خویش را از دست داد.

همانطور که گفته شد آیت الله منتظری به عنوان یک مرجع تقلید، از شهامت و جسارت اخلاقی خاصی در بیان نظرات خویش، در تابو شکنی، در مقابله با استبداد و سرکوب و در پیش گرفتن راه های نو و متفاوت از گذشته در پیشبرد فعالیت برخوردار بودند. ایشان، با وجود کهولت سن و برغم بیماری، تا آخرین روز های حیات خویش با نگاه رودررو به تحولات و با مطالعه داده های جدید، نظرات خویش را تکمیل و اعلام می کردند. بی دلیل نیست که طیف وسیع و گسترده آزادی خواهان ایران و همه آنان که مشغله اصلی شان استقرار آزادی و دموکراسی در ایران است با وجود تمام تفاوت های مهم، اما بدیده احترام به ایشان می نگرند .